

آسیب شناسی، جامعه شناختی و جرم شناختی
از نقش طبقه متوسط در مدیریت بحران‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه
در دوره زمانی بن بست برجامی دولت دوازدهم تا امید به گشایش در دولت

سیزدهم

سیدمحمد رضا موسوی فرد^۱

محسن جمشیدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۹

چکیده

در جوامعی که طبقات اجتماعی روی پای خود ارتزاق نمی‌کنند و بازیچه‌ی دولت‌ها هستند، از خود اراده‌ای نداشته و به این سو و آن سوی قدرت کشیده می‌شوند و در نتیجه توانایی ابراز وجود و متحرک بودن خود را از دست داده و بازیچه‌ی دست طبقه‌ی بالادست خود خواهند شد. حال سؤال این است، طبقه متوسط چه تأثیری در ثبات یا بی‌ثباتی در مدیریت بحران‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی دارد؟ به نظر می‌رسد ثبات و یا بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در بحران‌ها رابطه فراگیری با تقویت و یا تضعیف طبقه‌ی متوسط در بطن جامعه داشته و دارد، در مواقعی که رشد اقتصادی مهیا بوده، طبقه متوسط تقویت شده و به دنبالان وضعیت عمومی و مشروعیت سیاسی را به دنبال داشته و در نتیجه ثبات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی نیز تقویت شده است. اما در مقاطعی که رشد و کارآفرینی اقتصادی و سیاسی تضعیف شده، نارضایتی گسترش یافته و تنش‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را به دنبال خود داشته است. پژوهش فوق از طریق روش کیفی اسنادی و با رویکردی توصیفی تحلیلی ارائه می‌گردد، هدف می‌کوشد هم از منظر تئوریک، و هم به صورت تجربی با رویکرد اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی وضعیت طبقه‌ی متوسط در ایران و نحوه‌ی تأثیرگذاری آن بر امنیت و ثبات سیاسی در کشور را دنبال نماید.

واژگان کلیدی: طبقات اجتماعی، طبقه متوسط جدید، توسعه و ثبات سیاسی، بحران‌های اجتماعی

سیاسی، بحران فرهنگی.

۱-دکترای تخصصی، استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان،

mousavifard136394@gmail.com

۲-دکترای تخصصی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، mohsenmd16@yahoo.com



مقدمه:

مسئله نوسازی و نوگرایی از دل جوامع غربی برخاسته و حاصل از شرایط ویژه اقتصادی حاکم بر این جوامع است. به ادبیات دیگر؛ تمامی متغیرهایی که در پیدایش این جریان به نوعی دخیل بوده‌اند که منشأ اصلی آن به مسئله اقتصادی بر می‌گردد؛ این جوامع در مسیر حرکت توسعه‌ای و در عین حال تدریجی خود به سمت توسعه و صنعتی شدن، نظام ارزشی متناسب با نظام اقتصاد سرمایه‌داری را نیز نوعاً در این سیر تطورات و دگرگونی‌ها بسط داده‌اند. اما در کشورهای جهان سوم وضع به نحو دیگر است. در این کشورهای توسعه یافتگی صنعتی در قالب فرآیند نوسازی از غرب وارد شده است و نوگرایی به عنوان پدیده‌ای وارداتی و بیگانه، با بستر فرهنگی و نظام سنتی این جوامع در تعارض کامل قرار گرفته است. چنین می‌توان ادعا داشت که ریشه اصلی تضاد سنت و نوگرایی در کشورهای در حال توسعه جهان سومی امروزه نیز تضاد بین شرایط اجتماعی، اقتصادی بومی این جوامع با شرایط زمینه‌ساز جامعه مدرن می‌باشد. همان‌طور که موقعیت اقتصادی یک جامعه در سطح کلان می‌تواند تعیین‌کننده نظام ارزشی آن جامعه باشد. بسیاری از نظریه‌پردازان قشربندی اجتماعی، محور اصلی تعریف طبقه اجتماعی^۳ را طرز نگرش و رفتار افراد می‌دانند (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۴، ۴۵). موتور محرک توسعه هر جامعه‌ای شکل‌گیری و تقویت طبقه متوسط آن است. طبقه متوسط جدید^۴ بیش از آنکه متکی به قدرت و ثروت باشد بیشتر متکی به منزلت و حیثیت اجتماعی^۵ است، یعنی طبقه متوسط جدید با رشد آموزش علم، سواد و آگاهی توانسته با دستیابی به تولیدات فکری منزلت اجتماعی مهمی را به دست آورد. طبقه متوسط جدید اکنون از نظر اقتصادی در حد طبقات پائین قرارداد و از نظر قدرت، بیرون از حکومت سیاسی است. ولی منزلت اجتماعی آنان به‌طور نسبی حفظ شده است و همین منزلت اجتماعی (پایگاه اجتماعی آنان) موتور محرکه فکری آنان می‌باشد (مسعود و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۴). سؤال اینجاست؛ طبقه متوسط چه تأثیری در ثبات یا بی‌ثباتی در بحران‌های سیاسی و اجتماعی دارد؟ پاسخ به سؤال فوق را می‌شود این‌طور مطرح نمود؛ ثبات

^۲ Third World Countries

^۳ Social Class

^۴ Development Engine

^۵ New Middle class

^۶ Dignity and Social Status



و بی‌ثباتی در این طبقه رابطه معناداری با بطن اصلی در نهایت ثبات در تمامی ابعاد آن در جامعه دارد. فلذا از طریق روش اسنادی با رویکردی توصیفی و تحلیلی بدین قضیه پرداخته خواهد شد.

۱- شرح و تبیین بحث:

در تعریف تجدید در ایران چنین آمده است؛ رویاوری جامعه ایرانی در آغاز قرن نوزدهم میلادی با کشورهای غربی یک دستاورد مشخص داشت که آن را به تجدد تعریف کرده‌اند، این فعل و انفعالات سبب شد جریانات مشخصی به وجود آید که تحت عنوان (نوسازی) می‌دانند، این امر بدوا در قالب استخدام رویکردهای نظامی و تاکتیکی صرف بوده، اما با مرور زمان این پدیده نوین به سایر بخش‌ها نیز از جمله حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز تسری پیدا کرده است، باعث بروز و ظهور گروه جدیدی در ایران شده است، که بعدها طبقه‌ی متوسط جدید خوانده شد. البته در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، اعضای طبقه‌ی متوسط به دو گروه طبقه‌ی متوسط سنتی و طبقه‌ی متوسط جدید تقسیم می‌شوند. آنچه محرز و مسلم است این امر است که رکن اصلی دموکراسی خواهی و ثبات سیاسی در تمامی کشورها بدون تردید طبقه متوسط جوامع آنهاست، تقویت این قشر زمینه مشارکت فعال سیاسی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت، ثبات را در جامعه منجر خواهد شد، چون این فعل و انفعال شکل گرفته خودش حاصل اصلاحات شکل گرفته در ساخت جامعه است در نتیجه یکی از نتایج حاصله نوسازی خواهد بود. در ایران این طبقه پس از اصلاحات رضاشاه شکل گرفت، بدلیل اینکه خاندان پهلوی نتوانست خواسته‌های این طبقه را محقق سازد باعث شکاف بین اجتماع و حاکمیت شد. پس از پیروزی جمهوری اسلامی ایران شاهد رشد کمی و کیفی در این طیف بودیم که اتفاقاً سرمنشأ تحولات سیاسی و اجتماعی بعدی در تاریخ معاصر ایران بودند. از نظر جامعه‌شناسان، طبقه‌ی متوسط در تحولات سیاسی و اجتماعی همه‌ی جوامع دارای نقش و کارکردهای اساسی می‌باشد. تجربه‌ی جوامع مختلف نشان می‌دهد که رشد و پیدایش این طبقه به طور طبیعی به تحولات اجتماعی و سیاسی منجر می‌شود. حال با توجه به داده‌های مورد بحث در پژوهش فوق با مطرح کردن سؤال و فرضیه‌ای مشخص در پی بیان این مسئله خواهیم بود که طبقه‌ی متوسط در بحران‌های سیاسی و اجتماعی چه نقشی ایفا نموده و آیا اصلاً نقشی مؤثر دارد یا این طبقه به قدری ضعیف و نحیف شده که به‌کل در مدیریت دولت خود را حل نموده و توانایی ابراز وجود را در خود نمی‌بیند.

۷. در واقع در جوامعی که طبقات اجتماعی روی پای خود ارتزاق نمی‌کنند و بازیچه‌ی دولت‌ها هستند، از خود اراده‌ای نداشته و به این سو و آن سوی قدرت کشیده خواهند شد و در نتیجه توانایی ابراز وجود و متحرک بودن خود را از دست داده و به عبارتی بازیچه‌ی دست طبقه‌ی بالادست خود خواهند شد.



۲- ادبیات پژوهش

از جمله آثاری که به بررسی وضعیت طبقه متوسط در ایران پرداخته‌اند، می‌توان به آثار زیر مختصر اشاره کرد:

الف: احمد اشرف و دیگران با تألیف کتابی تحت عنوان طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران (۱۳۸۸).

به بررسی وضعیت این طیف یعنی طبقه متوسط در جامعه ایران می‌پردازند. این کتاب به بررسی طبقات اجتماعی ایران در سه دوره میانه، قاجاریه و پهلوی می‌پردازد. آن را سهیلا ترابی فارسانی به ترجمه و نشر آنرا انتشارات نیلوفر برعهده داشته است.

ب: کتاب طبقه و کار در ایران اثر سهراب بهداد و دیگران (۱۳۸۷)، با رویکردهای علمی به بررسی وضعیت طبقات اجتماعی در ایران پرداخته شده است. چارچوب نظری کتاب حاضر مبتنی بر آراء و نظریات اریک الین رایت است که در سنت مارکسیستی جامعه‌شناسی قرار دارد. آن را محمود متحد به فارسی ترجمه کرده و توسط انتشارات آگاه به چاپ رسیده است.

ج: کتاب ایران بین دو انقلاب (۱۳۷۸)، اثر شناخته‌شده‌ی یرواند آبراهامیان است که در آن به تحلیل مبانی اجتماعی سیاست در ایران، از دوران انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی پرداخته است. وی این طبقه را به معنای اقشار وسیع افقی متشکل از افرادی با رویکردهای مشترک تولید، رفتار مدیریت متقابل و... می‌داند که شیوه‌ی مدیریت و رویکرد مشترک به نوسازی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قلمداد کرده است.

د: حسین ادیبی در کتاب خودش تحت عنوان طبقه‌ی متوسط جدید در ایران (۱۳۵۸)، به بررسی طیف‌های مختلف در خصوص وضعیت طبقه‌ی متوسط در جامعه‌ی معاصر ایرانی می‌پردازد. این اثر بوسیله نشر انتشارات جامعه چاپ رسانده شده است. و چندین مقاله از جمله: قاسمی و دیگران (۱۳۸۹)، گودرزی و دیگران (۱۳۹۳)، عابدی اردکانی (۱۳۹۳)، مسعود و منصور زاده (۱۳۹۴)، و... نیز در این زمینه مقالاتی را منتشر شده اما موضوع مورد بحث با مطالب منتشر شده تفاوت خواهد داشت.

۳- مفاهیم پژوهشی:

الف: طبقه و طبقات اجتماعی: ساندرز^۴ بر این عقیده بود که کسانی که شرایط اقتصادی یکسانی دارند، منافع، باورها و نگرش‌های آن‌ها در مورد جایگاهشان نیز مشترک است. او افرادی که طرز نگرش یکسان و ارزش‌های مشابه دارند را تحت عنوان طبقه مطرح کرد و افرادی را که فقط از لحاظ

^۴ Sanders



موقعیت عینی شبیه هستند گروه‌های ذینفع نامید. کورن‌هازر نیز طبقه را چنین تعریف می‌کند: بخش‌هایی از جامعه که در مورد علایق و جایگاه خود یک‌جور فکر کرده، دیدگاه و نگرش مشترک و مشخصی دارند. به عقیده وی، مشخصه اصلی تعیین‌کننده طبقه، هویت روان‌شناختی مشترک^۹ یا مجموعه‌ای از نگرش‌های افراد است و معیارهای عینی چون شغل یا درآمد، بیشتر به‌عنوان شاخص طبقاتی به شمار می‌روند. پس فاکتورهای ذهنی آگاهی به‌عنوان یک معیار طبقاتی تقدم دارد (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۰). کورن‌هازر و ساندرز از جمله نظریه‌پردازان هستند که معتقدند طبقه اجتماعی در درجه اول گروهی از افراد است که نگرش‌ها و بینش‌های همسانی دارند. به عقیده آن‌ها، آنچه در تعریف طبقه اساسی است ذهنیت و نگرش یکسانی است که افراد متعلق به یک طبقه از آن برخوردارند (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۵).

ب: طبقه متوسط جدید: واژه طبقه متوسط را اولین بار شخصی به نام توماس گیسبورن در سال ۱۷۸۵ به کاربرد. در همان ایام بود که علم اقتصاد و سرمایه‌داری نیز در حال شکل‌گیری بود. گیسبورن، طبقه متوسط را در میانه زمین‌داران و اشراف از یکسو و کشاورزان و کارگران از سوی دیگر تعریف کرد که شامل مالکان و کارآفرینان می‌شد. کارل مارکس^{۱۰} یکی از نخستین اندیشمندانی بود که اعتقاد داشت طبقه متوسط بین طبقه کارگر و سرمایه‌دار است. وی طبقه متوسط را مانند سایر طبقات اجتماعی، محصول مناسبات اقتصادی عصر خویش می‌داند. پی‌یر لاروک طبقه متوسط را گروه‌های متفاوتی می‌داند که ویژگی یگانه آن‌ها این است جزء دو طبقه دیگر نیستند. طبقه‌ی متوسط طبقه‌ای است که مسائل اولیه معیشتی خودش را حل کرده و حالا خود فرصت این را یافته است که به مسائل دیگری هم‌فکر کند؛ مثل مسائل مدنی و مسائلی که به منفعت عمومی و جامعه مربوط است. این طبقه را به مفاهیمی چون دموکراسی، توسعه و ... متصل می‌کند (هزارجریبی و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۶).

خصلت اصلی طبقه متوسط، نه مطالبات اقتصادی محض بلکه مطالبات فرهنگی، اجتماعی^{۱۱} و ... خصوصاً سیاسی از طریق فرایند دموکراتیک است. این طبقه نیرویی قدرتمند در مقابل سنت‌گرایی و حکومت است که خواهان تجدد و ایدئولوژی‌زدایی از ساحت قدرت می‌باشد. نیروهایی را که کار غیر یدی می‌کنند را می‌توان جزو طبقه متوسط جدید دانست. مانند: اساتید دانشگاه، وکلا، معلمان و مدیران، پزشکان، مهندسان،

^۹ Common Psychological Identity

^{۱۰} Tomas Geesborn

^{۱۱} Carell Marks

^{۱۲} Cultural and Social Demands



نیروهای اجتماعی باسواد و... (بشیریه، ۱۳۹۳: ۱۳۰)، البته در وضع موجود مطالبات اقتصادی نیز اولویت‌دار شده است.

دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی، باعث شکل‌گیری لایه میانی با انتظارات جدیدی می‌شود، که این لایه جدید اجتماعی را طبقه متوسط جدید می‌نامند. اعضای این طبقه عمدتاً تحصیل‌کرده، شهرنشین و امروزی هستند، به تدریج خواهان مشارکت در عرصه‌ها می‌شوند اما مشکل از آنجا شروع می‌شود که به دلیل فقدان توسعه سیاسی مناسب در این جوامع، نهادهای سیاسی و اجتماعی مستقل از حکومت مانند احزاب، و... که بتوانند انتظارات سیاسی طبقه جدید را پاسخ دهند وجود ندارند. در نتیجه مطالباتش برآورده نمی‌شود و به تدریج میان آنچه شکاف عمیقی رخ می‌دهد که نتیجه عملی آن ظهور انواع بی‌ثباتی‌ها مانند انقلاب، شورش، کودتا، جنبش‌های دانشجویی و بحران‌های فزاینده است (خواجه، ۱۳۹۶: ۱۷۸).

ج) توسعه و ثبات سیاسی: در تعریف دیگری از ثبات سیاسی باید گفت: به معنای وجود فضای سیاسی و بالتبع اجتماعی قابل اعتماد و آرامی است در نتیجه اجرا و استمرار قانون بین شهروندان و حاکمیت است. به معنای عدم وجود شرایطی مثل جنگ، شورش، کودتا، هرج و مرج و بی‌نظمی، تهدیدات نسبت به نظام و جامعه است. توسعه سیاسی از مفاهیم بسیار پیچیده در مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل است. در میان اندیشمندان توسعه در کشورهای در حال توسعه، در این زمینه که کدام یک از حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌بایست در برنامه‌های توسعه محور از اولویت برخوردار باشد، هیچ‌گونه وحدت نظری وجود ندارد.^{۱۳}

۴- رهیافت نظری:

طبق عقیده مارکس، ساختار اقتصادی زیربنای جامعه و تعیین‌کننده سایر ساخت‌های سیاسی و اجتماعی و نهادهای حقوقی و اخلاقی می‌باشد. مفسران مارکس نیز تحت عنوان مارکسیست‌های ساخت‌گرا، مسئله زیربنا و روبنای مارکس را تعدیل کرده و معتقدند گرچه اقتصاد نمی‌تواند تعیین‌کننده سایر ابعاد باشد، اما در نهایت تأثیر اساسی بر آن‌ها دارد. لویی آلتوسر می‌گوید ساخت حاکم بر روابط تولید و اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های بازتولید کننده آن، چارچوب عملی فرد را تعیین می‌کند (بشیریه، ۱۳۸۰: ۳۰۹).

^{۱۳} برخی با این استدلال که تا وقتی یک جامعه از میزانی از رفاه اقتصادی برخوردار نباشد مفاهیمی چون آزادی، دموکراسی، جامعه مدنی، حقوق بشر و مسایل زنان از اهمیت خاصی برخوردار نخواهد بود، توسعه اقتصادی را بر دیگر حوزه‌ها مقدم می‌دانند. اما برخی دیگر با تأکید بر مؤلفه‌هایی چون چگونگی ساخت قدرت و نحوه توزیع منابع توسط حکومت، توسعه سیاسی را بر توسعه اقتصادی اولویت می‌دهند (گودرزی و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۲).



توسعه سیاسی از مفاهیم بسیار پیچیده در مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل است. در میان اندیشمندان توسعه در کشورهای در حال توسعه، در این زمینه که کدام یک از حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌بایست در برنامه‌های توسعه محور از اولویت برخوردار باشد، هیچ‌گونه وحدت نظری^۴ وجود ندارد. برخی با این استدلال که تا وقتی یک جامعه از میزانی از رفاه اقتصادی برخوردار نباشد مفاهیمی چون آزادی، دموکراسی، جامعه مدنی، حقوق بشر و مسائل زنان از اهمیت خاصی برخوردار نخواهد بود، توسعه اقتصادی را بر دیگر حوزه‌ها مقدم می‌دانند. اما برخی دیگر با تأکید بر مؤلفه‌هایی چون چگونگی ساخت قدرت و نحوه توزیع منابع توسط حکومت، توسعه سیاسی را بر توسعه اقتصادی اولویت می‌دهند (گودرزی و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۲).

اولسن (۱۹۶۳) و نورس (۱۹۸۱) معتقدند که رشد اقتصادی می‌تواند سبب تغییرات ساختاری واقعی گردد که ائتلاف‌های سیاسی را از بین می‌برد و سبب تغییرات شدیدی در سطح قدرت میان گروه‌های ذی‌نفوذ مختلف می‌گردد.^۵ بارو (۱۹۹۱) بی‌ثباتی سیاسی را به صورت رفتار خشونت باری که قتل و آدمکشی در رویدادهایی نظیر شورش‌ها و انقلاب‌ها یا کودتای نظامی^۶ تعریف می‌کند. در دکترین آمده است بی‌ثباتی سیاسی به آثار مختلفی که بر رشد اقتصادی داشته‌اند، تأثیر متقابل بر هم دارند. نمونه مورد نظر وی ۹۸ کشور طی سال‌های (۱۹۸۴، ۲۰۰۳) بود و اعتراضات شهری، حرکت‌های اجتماعی سیاسی^۷، بی‌ثباتی رژیم سیاسی و بی‌ثباتی درون رژیم سیاسی تعاریف بی‌ثباتی مورد نظر وی هستند (کمپجانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۳).

۵- مدیریت بحران‌های فرهنگی^۸

الف) تغییر گروه‌های مرجع: شکاف میان گروه‌های مرجع اجتماعی سنتی و نسل جدید، به شکاف گفتمانی، بحران هویتی و به تبع گسست نسلی یاری رسانده است. انسان‌ها به دلایل مختلف (نظیر نیاز به احترام و آبرو و فشار هنجاری) عموماً خود را در زمینه‌هایی با عده‌ای مقایسه و ارزیابی می‌کنند. در این فرآیند، انسان، ارزش‌ها و استانداردهای افراد یا گروه‌های دیگر را به‌عنوان یک قالب مقایسه‌ای و مرجع

^۴Theoretical Unity

^۵. به عنوان مثال، آلسینا و همکاران (۱۹۹۲) در یک نمونه ۱۱۳ کشوری طی سالهای (۱۹۵۰، ۱۹۸۲) به اثر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد GDP سرانه می‌پردازند و یک رابطه منفی و معنادار به دست می‌آورند. آن‌ها بی‌ثباتی سیاسی را مترداف فروپاشی و سقوط دولت به عنوان قوه مجریه تعریف و آن را بر اساس استیضاح و عزل وزرا یا مجموعه کابینه از سوی پارلمان تعریف و بر اساس تکرار آن، آن را اندازه‌گیری می‌کنند.

^۶Military Coup

^۷Socio-Political Movements

^۸Cultural Crisis Management



می‌گیرد. وجود یک رابطه سیال و پایدار اطمینان‌بخش میان آحاد مردم و گروه‌های مرجع می‌تواند تضمین‌کننده وفاق و اتصال نسلی باشد.^{۱۹}

ب) بحران کثرت‌گرایی فرهنگی: در وضعیت بحران کثرت‌گرایی فرهنگی حاملان فرهنگ‌ها و حوزه‌های فرهنگ‌های مختلف در یک جامعه خاص علیه یکدیگر بر خواسته و هرکدام منافع، علایق و سلیقه‌های خود منافع و علایق اصلی جامعه و از طرفی سایر فرهنگ‌ها و گروه‌ها را فرعی و قابل نادیده گرفتن می‌پندارند. این چندگانگی فرهنگی در اروپا هم اتفاق افتاده است. می‌توان این پدیده را به خودخواهی فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های خاص توصیف نمود. خطر بزرگ در این وضعیت آن است که دولت به هرکدام از فرهنگ‌ها یا خورده فرهنگ‌ها اقبال نشان دهد، ممکن است حاملان فرهنگ‌های دیگر پیوند خود را با نظام سیاسی بگسلانند. سرزمین ایران، همچون برخی دیگر از سرزمین‌ها، ابتدا از مردمی مختلف از لحاظ قومی، زبانی فرهنگی مذهبی تشکیل شد و سپس این مردم در قالب یک دولت مستقل و متمایز از سایر دول، همدست تشکیل شده و تشکیل دولت دادند.^{۲۱}

ج) قطبی شدن هنجارها: اختلال هنجاری یکی از آسیب‌های جدی جامعه‌ای است که دگرگونی‌های وسیع و شتابان را تجربه می‌کند. به عبارت دیگر از مسائل و آسیب‌پذیری‌های جامعه‌آذر حال گذار، بر هم خوردن نظم هنجاری و شکسته شدن هنجارهای سنتی است. اختلال هنجاری می‌تواند به صورت قطبی شدن هنجاری، تضاد هنجاری، ضعف هنجاری یا عدم علاقه نسبت به قواعد اجتماعی باشد. در شرایط امروز کشورمان، انواع اختلالات هنجاری قابل درک و لمس است. در این میان قطبی شدن هنجارها مهم‌ترین آسیبی است که وجود دارد. گروه‌های اجتماعی متضاد و متخاصم را فراهم آورده است. قطب روشنفکر^{۲۳} و متحجر، پائین شهری و بالاشهری، حزب‌اللهی و بی‌بندوبار، فقیر و غنی، نسل جوان متجدد و نسل میان‌سال سنتی، نمونه‌هایی از این قطب‌بندی‌هاست.

^{۱۹}. چنانچه نسل جوان ایرانی در شرایط پر تلاطم و بحرانی خود، بتواند به انگیزه‌ها و انگیزه‌های گروه‌های مرجع سنتی خود اعتماد نماید، جامعه ما می‌تواند از بروز یک شکاف نسلی ژرف و توفنده مصون بماند، در غیر این صورت فروپاشی رابطه اعتماد، فروپاشی وفاق نسلی را نیز به دنبال خواهد داشت.

!The Crisis of Cultural Pluralism

^{۲۱}. به عبارت دیگر جامعه ایران از زمانهای گذشته سرزمینهای همدستان بوده و نه یکدستان یا سرزمین مردم یکدست. با توجه به امر اجتماعی فوق هر زمان که برای یکدست کردن جامعه ایرانی تلاشی صورت می‌گرفته آن تلاش مسأله آفرین و حتی بحران زا می‌شده است. در سالهای اخیر مشکلات و مسائل زیادی در عرصه سیاست داخلی و خارجی به منصف ظهور رسید که هنر و سیاست یکی دیدن همه اقوام و گروه‌های ایرانی، صرف نظر از هویت‌های آنان را به مخاطره انداخته است (تاجیک، ۱۳۸۱: ۲۸۰).

!Community Vulnerabilities

?Intellectual Pole



د) مهاجرت نخبگان: نخبگان از جمله مهم‌ترین گروه‌های مرجع در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. به سخن دیگر در جامعه‌پذیری توده نقش فراوانی ایفا می‌نمایند. نخبگان هر جامعه، تأثیر فراوانی بر شکل‌گیری نگرش‌ها یا تغییر نگرش‌های فرهنگی مردم ایفا نموده، به طوری که هانتینگتون و نلسون نقش آن‌ها را در کشورهای جهان سوم بسیار اساسی قلمداد می‌کنند. گرچه از رویکرد سیاسی و اجتماعی نیز می‌توان به مسئله مهاجرت نخبگان نگرست اما به نظر می‌رسد، این مسئله بیشتر صبغه فرهنگی دارد. به سخن دیگر مهاجرت نخبگان اگرچه می‌تواند ناشی از ضعف کارآمدی نظام سیاسی در جذب نیروهای متخصص باشد که نتیجه آن تضعیف مشروعیت نظام سیاسی می‌باشد، اما مهاجرت نخبگان بیشتر در عرصه فرهنگی قابل تأمل است. نخبگان نقش بسیار کلیدی در فرهنگ‌سازی و یا شکل‌گیری و حتی تغییر نگرش‌های مردم‌دارند و در ساخت هویت فرهنگی یک جامعه نقش وافر ایفا می‌کنند. این امر در خصوص جامعه ایران اهمیت ویژه دارد بخصوص که جامعه چند قومی ایران با هویت‌های مختلف و چندگانه نیاز به انسجام‌بخشی و تلاش برای شکل‌گیری یک هویت واحد دارد که نخبگان به‌عنوان گروه‌های مرجع و تأثیرگذار می‌توانند کارکرد فوق‌العاده‌ای ایفا نمایند (خلیلی، ۱۳۸۱: ۴۳۶).

ه) پلورالیسم دینی: با اعتقادی که به خوب بودن تمامی ادیان وجود دارد؛ کثرت‌گرایی دینی و معرفت‌شناختی، ناشی از ضعف تولید افکار دینی متناسب با شرایط زمان از طرفی حوزه‌های علمیه و روحانیت و نارضایتی از تفسیر و قرائت سنتی از دین است. تغییرات اجتماعی موجب پیدایش و نشو و نمای تفکرات جدید دینی^۴ شده که وجود قرائت‌های جدیدی را از شرع مقدس ارائه می‌دهند متأسفانه، دین در قرائت‌های جدید^۵ به‌طور عمده فردگرایانه، معنویت‌گرا است. رشد عقلانیت^۶، هجسه رویکردهای غرب‌گرا، روند توسعه و نوسازی، کثرت‌گرایی و پیروسی جهانی‌شدن^۷ از مهم‌ترین عواملی است که موجبات شکسته شدن این فهم عمومی یعنی برداشت‌های سنتی از دین شده است. امروزه باید چنین انگاشت که در کنار شک و تردیدهایی که ذهن جوانان ما را فراگرفته است، برای برون رفت از بن‌بست‌های اندیشه‌ای^۸ و معرفتی

^۴New Religious Thoughts

^۵Religion in New Readings

^۶The Growth of Rationality

^۷Pluralism and Globalization

^۸Thought Deadlocks



عملاً به قرائت‌های جدید و چشم‌اندازهای نو روی خواهند آورد. بر این اساس، فقه حکومتی و حکومت دینی هر دو با معضلات جدیدی روبرو خواهند شد.^{۲۹}

(و) تغییر ارزش‌ها و گسست ارزشی: تغییر ارزش‌ها یا گسست ارزشی، ممکن است مثبت یا منفی، پیشرو یا واپس‌گرا، خود به خودی یا دستوری، کند یا سریع، جزئی یا کلی، سطحی یا عمیق و موقت یا دائمی باشد. این امر فرایند پیچیده‌ای است که تأثیر و تأثر عوامل گوناگون مثل تراوشات ناشی از فرهنگ‌ها یا اشاعه ویژگی‌ها از جوامع دیگر، افزایش یا کاهش جمعیت، تغییر گروه‌های مرجع، ناکارآمدی نخبگان فکری و حکومتی، ناکارآمدی نهادهای حکومتی و... را که در هریک از موارد معین گسست ارزشی دخیل‌اند، شامل می‌شود. دوران گذار که گذر از دوران سنتی به دوران مدرن می‌باشد نیز از جمله عواملی است که می‌تواند در تغییر ارزش‌ها مؤثر باشد. فضاهای مختلف زندگی از قبیل فضای خانوادگی، مدرسه و محیط کار باید دارای هماهنگی، نظم و تعادل باشد. هویت‌های چندگانه و داشتن چهره‌های متضاد و بر عهده گرفتن نقش‌های متناقض از سوی افراد در محیط‌های متفاوت، بار سنگینی را بر دوش او می‌نهد و به‌صورت بازیگری که آن واحد در چند نقش متضاد بازی می‌کند.^{۳۱}

۶- مدیریت بحران‌های اجتماعی^{۳۲}

الف) شکاف‌های اجتماعی: در اکثریت جوامع، به‌نوعی شکاف‌های اجتماعی (به حکم تفسیر کار اجتماعی، عامل نسب و تبار، جنسیت) و... وجود دارد اما این امر به منزله فعال بودن شکاف‌ها نیست، چرا که ممکن است شکاف‌های اجتماعی حالت غیرفعال و نهفته داشته باشد. البته از مطالعات علمی برمی‌آید ریشه شکاف‌های اجتماعی از عوامل متعددی است. جامعه ایران به‌عنوان جامعه‌ای در حال گذار (نیمه سنتی، نیمه مدرن) از تعداد و شکل پیچیده‌ای از شکاف‌های اجتماعی برخوردار است. از یک‌سو شکاف‌های اجتماعی، قومی، فرهنگی و زبانی مربوط به جامعه سنتی، کم و بیش، فعال هستند و از دیگر سوی، شکاف‌های جامعه مدرن، مثل شکاف‌های طبقاتی و گسست نسل‌ها نمودار می‌شوند. ساختار دوگانه اقتصادی، فرهنگی و شکاف

^{۲۹}. قرائت‌هایی همانند جرم‌شناسی اسلامی با ریشه مذهبی در خصوص ماهیت آن باید گفت این باب جدیدی است که در حوزه علوم انسانی اسلامی باز شده است، البته جایگاهی برای نگاه‌های متعصبانه و خشک ایدئولوژیک مبتنی بر جیزه خواری خاص نیست، غایت نهایی آن نقد وضع موجود براساس خط کشی واقعی براساس آموزه‌های حقوق اسلامی است.

^{۳۰} Change Values

^{۳۱}. افسردگی، اضطراب، دلواپسی و نگرانی و دیگر آسیب‌های روانی از یک‌سو و پیامدهای اجتماعی مانند فریبکاری و دوچهرگی، پایه‌های اجتماعی جامعه را سست و لرزان می‌نماید. باید بیاموزد که در هر محیط چه کنش‌های قابل قبولی را ارائه دهد و چگونه خود را با این تفاوتها منطبق سازد.

^{۳۲} Social Crisis Management



بین سنت و مدرنیسم موجب می‌شود که زندگی سیاسی سخت تحت تاثیر منازعات و کشمکش‌های دونیمه جامعه قرار گیرد. شکاف‌های قومی، مصداق بارز شکاف‌ها و گسست‌های هویتی هستند. شکاف‌های هویتی، منشأ تکوین خواسته‌هایی هستند که غیرقابل مذاکره بوده و کمتر امکان نیل به آن‌ها از طریق مسالمت‌آمیز و کاربست گفتگو وجود دارد. در نتیجه پتانسیل مناسبی برای غیر رقابتی کرده و ایجاد چالش برای قلمرو سیاسی و اجتماعی^{۳۳} و نا استواری نظام سیاسی محسوب می‌شوند. در ایران امروز، شکاف‌های قومی از نوع شکاف‌های متراکم به شمار می‌رود که ضمن تمایز قومی بر نابرابری اقتصادی (شکاف مرکز، پیرامون) (شکاف مذهبی) حداقل در رابطه با قوم‌های بلوچ، ترکمن، کرد) و احساس محرومیت نسبی^{۳۴} یاد شده است (با دخل و تصرف؛ ایوبی، ۱۳۷۷: ۲۰).

ب) نابرابری اجتماعی: نابرابری عبارت است از تمایز بین افراد به نحوی که بین زندگی آن‌ها خاصه به نسبت حقوق، فرصت، پاداش و امتیازات، اختلاف آشکار و پنهان وجود داشته باشد. در کشورهای جهان سوم، به دلیل ضعف‌های ساختاری که اغلب وجود دارد و قابل لمس است از یک سو و فقدان قدرت در جوامع مردمی مدنی و نبود گروه‌های مستقل و غیردولتی فعال ملی و بین‌المللی به معنای واقعی کلمه از سوی دیگر، دولت‌ها دارای قدرت ویژه و انحصاری اغلب دیکتاتورگرایانه هستند. از این رو در این کشورها معمولاً قدرت سیاسی موجود با چنین وضعیتی می‌تواند منشأ نابرابری^{۳۵} در جوامع آن‌ها باشد و افرادی که به قدرت سیاسی دست می‌یابند، به دلیل نفوذهای خارجی نسبت به عامه و قاطبه مردم به برتری‌های اقتصادی خارق‌العاده‌ای نائل می‌گردند. به عبارت دیگر افراد و گروه‌های وابسته به قدرت سیاسی از رانت‌های ویژه در عین حال متنوع و گوناگون بهره‌مند هستند که موجبات بسط و گسترش نابرابری‌ها در نتیجه کاملاً ملموس نارضایتی اجتماعی را در کشور فراهم می‌کند. چنین اوضاع در اکثر این کشورها قابل لمس است (با دخل و تصرف؛ گرپ، ۱۳۷۷: ۱۰).

ج: بحران طبقه متوسط شهری جدید: طبقه متوسط جدید نخستین بار توسط امیل لدرر^{۳۶} (۱۸۸۲-۱۹۳۹) جامعه‌شناس آلمانی در سال ۱۹۲۶ به کاربرد، به تحصیل کرده‌ها، تکنسین‌ها، کارمندان، حقوق بیگران و صاحبان مشاغل جدید اشاره دارد. بر اساس تقسیم‌بندی این جامعه‌شناس، طبقه متوسط قدیم را بازرگانان مستقل تشکیل می‌دهند. در جامعه ایران، اعضای این طبقه به تغییر و تحولات سیاسی^{۳۷} اجتماعی بیشتر دل بستگی دارند تا به تداوم و حفظ وضع موجود. این طبقه برخلاف طبقات متوسط کشورهای صنعتی و

^{۳۳}Political and Social Realm

^{۳۴}Feeling of relative deprivation

^{۳۵}The Source of Inequality

^{۳۶}Emil Leder

^{۳۷}Political Changes



غربی (میان‌رو و متمایل به محافظه‌کاری)^{۳۸} نیست، زیرا میان حاملان شئونات جمهوری اسلامی (که سنگ بنای نظام‌اند و نگهبانان آن به شمار می‌روند) و طبقه متوسط فقیر و ناچیز (که هواخواه تغییر وضع موجودند) تمایزی حائل نیستند.^{۳۹}

د) احساس محرومیت نسبی: محرومیت نسبی به اختصار عبارت است از نسبت ارزش‌های مورد انتظار و متوقع به ارزش‌های بالفعل و محقق با وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی. نهادینه‌سازی به معنی اینکه جامعه متناسب با نیازهای تازه افراد گروه‌ها و حزب‌ها نهادهای نوینی را تأمین نماید با میزان رفتارهای غیررقابتی رابطه‌ای خطی دارد. یعنی نهادهای نوینی را تأمین نماید. با میزان رفتارهای غیررقابتی، رابطه‌ای خطی دارد. یعنی هرچه جامعه بیشتر نهادمند شود، حجم و گستردگی نهادهای منازعه‌ای کاهش می‌یابد یا اینکه مشروعیت، عاملی است که به‌رغم محرومیت، مانع از وقوع رفتارهای غیررقابتی می‌شود و نقش بازدارنده ایفاد می‌کند. در ایران امروز مشروعیت به نسبت وسیع مردمی به مثابه (حمایت ذخیره) برای نظام عمل می‌کند اما از نظرگاه سیاسی هزینه کرد محاسبه نشده آن به دوراز جزم و دوراندیشی است بلکه برعکس باید با کاربست تدابیر خاص و انجام اقدام‌های ویژه فوری برای افزایش پاسخگویی و نمایش کارآمدی نظام سیاسی چاره‌اندیشی نمود.

ه) چالش جمعیت جوان کشور: بدون کوچکترین تردید باید گفت: نرخ رشد جمعیت، یکی از عوامل مهم در برنامه‌ریزی توسعه‌ای در تمامی ابعاد آن برای دولت‌ها به شمار می‌آید و بی‌توجهی یا سهل‌انگاری سهوی یا عالمانه و عامدانه نسبت به این امر بسیار مهم در آینده می‌تواند موجبات شکست برنامه‌های اقتصادی، نابرابری اجتماعی، تبعیض، شکاف طبقاتی، افزایش ناهنجاری اجتماعی، بی‌ثباتی و ناامنی را برای آن جامعه که ناشی از اقدامات ناصحیح مسئولین بوده فراهم آورد. البته نقطه مقابل هم وجود دارد انفجار جمعیت کشور، فقط دارای عوارض سوء اقتصادی و اجتماعی نیست، بلکه پیامد آن بحران‌های سیاسی، اجتماعی است که دولت را با بی‌ثباتی و مخاطرات جدی امنیتی داخلی و بین‌المللی مواجه می‌سازد. به همین

۳۹. Moderate and Conservative

۳۹. در جوامع غربی، به طور خاص و جوامع صنعتی به طور عام، طبقه متوسط، مهندسی اجتماعی شده و ارائه می‌گشت تا نظام حکومتی آن سامان یابد، از افراط و تفریط‌های طبقات اول و سوم نگاه دارد، اما در جامعه ما طبقه متوسط، خود تمایل به افراط و تفریط طبقات اول و سوم را دارد. استمرار چنین وضعیتی، نه تنها مشروعیت نظام را، بلکه حقانیت آن را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا طبقه متوسط جدید یک پای در میان مردم کوچک و بازار دارد و پای دیگر در سراسرهای حکومتی و ادارات دولتی، چنانچه برای حل و رفع دارد و پای دیگر در سراسرهای حکومتی و ادارات دولتی، چنانچه برای حل و رفع این بحران، اقدام اساسی صورت نگیرد، تحولی دگرگون ساز، همچون انقلاب فرانسه، در انتظار جامعه ما خواهد بود. زیرا انقلاب مزبور زمانی رخ داد که طبقه متوسط جدید شهری (بورژوازی (پویا و بی‌قرار در جامعه فرانسه شکل گرفته و آماده اجرای نقش تاریخی خود بود.

۴. Legitimation

۴. Economic Programs



دلیل مطالعه ابعاد مختلف جمعیت در کشورهای کمتر توسعه‌یافته^{۴۲} به ویژه عوارض هرم سنی جمعیت کشور، از اهمیت فراینده‌ای برخوردار می‌شود.^{۴۳}

۷- مدیریت بحران‌های سیاسی:

عرصه سیاسی از دیگر عرصه‌های بحران می‌باشد. پیش از ارائه برخی اشکال بحران سیاسی در نظام، لازم است تعریفی از بحران سیاسی ارائه گردد. بحران سیاسی حالتی است که در نتیجه آن ثبات و توازن نظام سیاسی و اجتماعی برهم خورد. بحران‌های سیاسی را برحسب وسعت مکانی عوامل درگیر و گستره جغرافیایی تعارضات به دو دسته داخلی و بین‌المللی تقسیم می‌کنند. بحران‌های سیاسی داخلی، شرایط غیرمتعارفی است که معمولاً در ساختار سیاسی یک کشور بروز می‌کند و برحسب ماهیت، زمان دامنه، شدت و نوع عوامل درگیر در آن شامل اشکال گوناگونی است مثل: مبارزه سیاسی گسترده و شدید بین احزاب و سازمان‌های سیاسی رقیب برای کسب قدرت، ایجاد اختلافات شدید بین جناح‌های مختلف حکومت، کودتای نظامی، شورش‌های خیابانی درگیری‌های قومی و... بحران‌های سیاسی داخلی فقط ناشی از عملکرد عوامل داخلی یک کشور نیست، بلکه در عصر حاضر تحت تأثیر جریان‌های سیاسی و اقتصادی است که از طرف کشورهای دیگر و نظام‌های مسلط منطقه‌ای و بین‌المللی اعمال می‌شود. بحران‌های سیاسی بین‌المللی نیز عبارت است از شرایط غیرمتعارفی که در چارچوب روابط بین دو یا چند کشور بروز می‌کند و برحسب گستره جغرافیایی دارای اشکال گوناگونی است، مثل: اختلاف بین دو کشور هم‌جوار که مراحل مختلفی را از تیرگی روابط سیاسی تا جنگ را در برمی‌گیرد، بحران بین دو کشور مجاور بحران در یک منطقه وسیع جغرافیایی و بحران در ابعاد جهانی است (اقابخشی، ۱۳۷۹: ۴۴۲).

الف) بحران اقل‌سازی افکار عمومی: بحران اقل‌سازی افکار عمومی به مفهوم عدم اعتماد کافی مردم به توجیهات و توضیحات نظام سیاسی درباره مسائل، حوادث و رویدادها و عدم اعتماد مردم به نظام اطلاع‌رسانی دولت می‌باشد. اگر حکومت‌ها برای عملکرد خود توجیهات قابل قبولی ارائه ننمایند و یا با عدم پذیرش مردم روبرو شوند، آنگاه در چالشی بزرگ با افکار عمومی قرار می‌گیرند به نحوی که ذکر هرگونه دلیل و اقامه هر نوع استدلال و برهان ممکن است چون هیزمی، آتش بی‌اعتمادی را شعله‌ورتر کند. نظام را با مشکل مشروعیت روبرو خواهد کرد. از این رو نسبت میان مشروعیت و میزان توانایی نظام در اقل‌سازی

^{۴۲}Less Developed Countries

^{۴۳} در جامعه‌ای با جمعیت جوان پتانسیل مناسبی برای بروز تعارضات نسلی به وجود آمده و بی‌تردید بازتاب جدی در بروز چالشها و ایجاد تضادهای سیاسی منجر می‌شود.

^{۴۴}Political Crises



افکار عمومی نسبت مستقیم است از سوی قانع نشدن مردم در برابر توضیحات، نشانی از بی‌اعتمادی و در واقع پایین بودن مشروعیت سیاسی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، یکی از علائم بی‌اعتمادی، میزان مقاومت افکار عمومی در برابر توجیهات نظام است. از این رو، بین اعتماد و مقاومت مردم برای عدم پذیرش رابطه‌ای معکوس وجود دارد (قائدی، ۱۳۸۳: ۷۷).

ب) رادیکالیزه شدن بخشی از گروه‌های آرمان‌گرا؛^{۴۵} پافشاری بر آرمان‌گرایی از سوی دوطبقه افراطی از گروه‌های سیاسی آن‌ها را در تعارض با وضع اجتماعی موجود می‌کشاند. افرادی که وضعیت اجتماعی و فرهنگی موجود را نمی‌توانند تحمل کنند لاجرم به سمت افراط‌گرایی کشیده می‌شوند، به نحوی که برای اصلاح جامعه جز پرخاشگری و برخورد قهرآمیز راهی را نمی‌یابند. خلق انتظارات بالا و تصویر منفی و منحط و عقب‌مانده از روند جامعه، مرز تخصص و تعارض را پررنگ می‌کند و راه هرگونه آشتی را می‌بندد. رفتارهای تند خارج از ضوابط قانونی، نظم اجتماعی را با خطر جدی روبرو می‌کند.

ج) فرهنگ‌های سیاسی معارض^{۴۶} و مشروعیت: فرهنگ سیاسی که نوع نگاه فرد به سیاست، ساختار سیاسی و میزان نحوه نقش‌آفرینی وی در فرآیند سیاسی است، پویا و زمان‌پرورده است. ایران کشوری است که از سه گونه کلی و نوع آرمانی از فرهنگ سیاسی برخوردار است: فرهنگ سیاسی پیش از اسلام، فرهنگ سیاسی اسلامی، فرهنگ سیاسی غربی؛ متأثر از این سه فرهنگ سیاسی، شکاف‌های گفتمانی شکل گرفته و گروه‌ها و جناح‌های سیاسی به نگاه‌های متفاوتی نسبت به مبانی مشروعیت نظام دست می‌یابند. فرهنگ‌های سیاسی سه‌گانه فوق در هویت ایرانیان اثرگذار بوده، بطوری که بسیاری از کارشناسان معتقدند که هویت ملی ایرانیان، تلفیقی از هویت ایرانی، اسلامی^{۴۷} و غرب است. بی‌توجهی حکومت به هرکدام از مؤلفه‌های فوق می‌تواند واکنش‌هایی را در پی داشته باشد. برای مثال بی‌توجهی به برخی آداب و رسوم بازمانده از دوران پیش از اسلامی آداب ایرانی می‌تواند برخی از ناهنجاری‌ها را در جامعه ایجاد کند که «چهارشنبه‌سوری» یکی از مواردی است که در حال حاضر نوعی ناهنجاری در جامعه ایجاد کرده است. فرهنگ‌های سیاسی متفاوت^{۴۸}، همت‌نخبگان فکری را می‌طلبد هرگونه بی‌دقتی یا کم‌توجهی نسبت به واقعیت فوق می‌تواند تبعاتی را در پی داشته باشد که بر مشروعیت نظام صدماتی وارد خواهد کرد.

^{۴۵} Idealist Groups

^{۴۶} Opposing political cultures

^{۴۷} Iranian Islamic Identity

^{۴۸} Different Political Cultures



۸- ایران و طبقه متوسط جدید:

ایران با وجود حکومت‌های متمرکز متعدد و ساختار جامعه پراکنده و نیز نقش ایدئولوژی به‌عنوان عامل مشروعیت بخش حکومت‌های سلطنتی، توسعه سیاسی با تأخیر از حدود صدسال پیش در اندیشه‌های متفکران و عالمان سیاست مطرح شد. مشروطه با شعارهایی چون آزادی، حق تعیین سرنوشت،^{۴۹} هر چند به صورت محدود، شورا، قانون و برابری هر چند توانست تحولی در بافت جامعه ایجاد کند، اما به دلیل وجود مواعی که از ریشه‌های عمیق در فرهنگ و ساخت جامعه ایرانی برخوردار بود، از رسیدن به اهداف خود بازماند و نهایتاً، حکومتی استبدادی با اختیارات مطلق در ایران بر سرکار آمد (گودرزی و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۲).

افزایش رشد جمعیت بالا رفتن سطح سواد و گسترش مراکز آموزشی در عصر جمهوری اسلامی تأثیرات عمیقی بر تحولات سیاسی و اقتصادی اخیر ایران نهاده است و در دهه‌های آینده نیز تأثیرات بیشتری خواهد داشت. همان‌گونه که حرکت وسیع جوانان روستایی به مناطق شهری، انقلاب اجتماعی^{۵۰} ۱۹۷۹ را متأثر ساخت؛ جوان بودن جمعیت نیز ظهور جنبش اصلاح‌طلبی دموکراتیک،^{۵۱} با ریاست جمهوری محمد خاتمی را زمینه‌ساز شد دلیل دوم، شرایط زمانی خاص به‌ویژه وقوع جنگ تحمیلی بود بر این اساس بود که داشتن جمعیت زیاد موجب قدرتمند شدن هر چه بیشتر شده و خواهد توانست تهدیدات امنیتی^{۵۲} را دفع کند این مواضع در کنار ملاحظات ایدئولوژیک و انقلابی به رشد جمعیت منجر شد و عمده سیاست‌های بهداشتی و درمانی، جزو تأثیر شاخصه‌های ایدئولوژیک قرار گرفت (مسعود و باقرزاده، ۱۳۹۴: ۹۰).

آصف بیات در کتاب «سیاست‌های خیابانی» به تحلیل جنبش تهیدستان شهری بین سال‌های ۵۵ الی ۷۷ در جامعه ایران پرداخته، و حاصل نظریه خود را در قالب نظریه پیشروی آرام مردم شهری ارائه کرده است آنچه برای بیات اهمیت دارد، فهم این نکته است که مردم عادی یعنی تهیدستان، حاشیه‌نشینان و... چگونه فکر و عمل می‌کنند. وی پیشروی آرام را «تقلا و کوشش همیشگی، روزمره و جزئی و غالباً خاموش تهیدستان جهان سوم که در برخی مناطق تاریخی ویژگی جمعی به خود می‌گیرد» تعریف می‌کند (بیات، ۱۳۷۶: ۲۷۹). تجارب تاریخی نشان می‌دهد که در هر کشوری با هر نوع نظام سیاسی حتی به دموکراتیک، نخبگان از جایگاه و موقعیت مهم و قاطعی برخوردارند و فکر و تصمیم‌گیری و عمل آن‌ها در نحوه و میزان تحقق بخشیدن به خواسته‌های مردم است.

^{۴۹}The Right to Self-Determination

^{۵۰}Social Revolution

^{۵۱}Democratic Reform Movement

^{۵۲}Security Threats



در واقع نوع نگرش سیاسی نخبگان حاکم،^{۴۳} که متأثر از فرهنگ سیاسی آنهاست، بی‌تردید نقش زیادی در کنش توسعه‌ی سیاسی^{۴۴} دارد. در واقع فرهنگ سیاسی نخبگان مقدم بر فرهنگ سیاسی عامه^{۴۵} است. بنا به تجربه تاریخی کشورهای مختلف، گذار به دموکراسی و رسیدن به توسعه سیاسی به حرکت اساسی از بالا نیاز دارد، یعنی ابتدا این اندیشه و عمل نخبگان سیاسی است که باید با مبانی توسعه سیاسی همسو باشد و پس از آن است که می‌توان به تسری این نوع از اندیشه و عمل در بین مردم امیدوار بود (عابدی اردکانی، ۱۳۹۳: ۱۳۶).^{۴۶} سریع القلم بر این باور است که مجموعه این رفتارها، ریشه در فرهنگ قبیله‌ای یا عشیره‌ای ایران دارد. او در کتاب فرهنگ سیاسی ایران رابطه‌ی میان توسعه‌نیافتگی و فرهنگ سیاسی را چنین نشان می‌دهد:

۱-۸) توسعه‌یافتگی، در هر مفهوم و ابعاد آن نوعاً مستلزم فعالیت‌های رقابتی است؛

۲-۸) فرهنگ سیاسی^{۴۷} اثبات شده ایرانی که مبتنی بر بی‌اعتمادی، ابهام در بیان، قاعده‌گریزی، رفتارهای غریزی، احساسات مفرط، فردگرایی منفی، واقعیت‌گریزی و روش حذف و تخریب در حل اختلاف‌ها است، موانعی جدی و بنیادین پیش روی رقابت جمعی عقلایی که دشوارترین آن در حوزه سیاست است، قرار می‌دهد؛

۳-۸) به‌رغم تغییرات گسترده‌ای که نظام‌های سیاسی و متفاوت بودن پایگاه‌های مختلف طبقاتی در این نظام‌های سیاسی ایران همچنان ناسازگاری‌های خود را با قواعد و اصول ثابت توسعه‌یافتگی به نوعی حفظ کرده است؛

^{۴۳}The Political Attitude of the Ruling Elite

^{۴۴}Political Development

^{۴۵}Popular Political Culture

^{۴۶} سوء استفاده از اموال عمومی، فقدان روحیه کار جمعی و فروپاشی احزاب سیاسی، روحیه اقتدارگرایی و انتقاد ناپاوری، نداشتن سعه صدر و تحمل، خشم و خشونت رفتارهایی هستند که کم و بیش از سوی نخبگان سیاسی ایران معاصر بروز یافته است. دست کم بخش قابل توجهی از آنها، «بجای آنکه زندگی خود را وقف سیاست کنند، از قبیل سیاست زندگی کرده‌اند». مهدی بازرگان رفتار فرهنگی نخبگان ایرانی را در یکی از جلسه‌های مربوط به حل اختلاف با شرکت نفت انگلیس منعکس کرده است. وی می‌گوید هنگامی که هیئت مختلط حل اختلاف برای حل و فصل مشکلات وارد آبادان شد، یکی از نخبگان همراه (مکی) به دلیل اینکه مهندس حسینی بیش از او مورد احترام و ابراز احساسات واقع شده بود، در وقت نهار سخت به حسینی پرسید و وی را مورد عتاب و بی‌مهری شدید قرار داد و بعد از ظهر، زمانیکه جلسه هیئت مدیره و هیئت مختلط در منزل بازرگان تشکیل شد، درگیری با لحن ناهنجارتری میان آن دو روی داد، به گونه‌ای که رانندگان و کارکنان از پشت پنجره‌ها با بهت وحیرت شاهد صحنه بودند.

^{۴۷}Political Culture



۴-۸) در فرهنگ عشیره‌ای و ایلات دارد که مهم‌ترین ویژگی‌های آن «خویشاوند گرایی»، «روحیه جنگاوری و ستیزه‌جویی» و «بقا و بسط عشیره از طریق تهاجم و غارت» بوده است (سریع‌القلم، ۱۳۸۹: ۵۸-۵۶).

به نظر لوسین پای در توسعه سیاسی هدف شکل‌گیری قالب فکری جدیدی است که در آن شهروندان با مشارکت سیاسی فعالانه، داوطلبانه، آگاهانه و عاقلانه به گونه‌ای گام بردارند تا برای کلیه مشکلات مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود با همدلی و به طور غیر خشونت‌آمیز راهکارهایی مدبرانه و پویا فراهم سازند. در جوامع غربی و لیبرال طبقه متوسط که پیشران توسعه و پیشرفت است با گذراندن دوران مختلف (فئودالیت، خورده بورژوازی، بورژوازی، سرمایه‌داری تجاری، نهایتاً صنعتی شدن) با تشکیل جامعه مدنی قوی و انتخابات آزاد از بطن جامعه پیش‌قراول این توسعه می‌شوند. این طبقه متوسط با آگاهی دادن به جامعه آن را به دنبال خود می‌کشد. در جوامع شرقی به جای حرکت از پایین به بالا حرکت برعکس است. این دولت‌های اقتدارگرا هستند که ملت‌ها به صورت تابع و پیرو از سیاست‌های آنان پیروی می‌کنند و با اشتراک نظر و وفاق بر سر منافع ملی که همان رشد و توسعه اقتصادی است و اعتماد به فرمان‌بران خود به پیشرفت‌های اقتصادی و رفاهی رسیده‌اند. الگوی توسعه در جامعه‌ی ما نه شرقی است و نه غربی. طبقه‌ی متوسط در غرب حاصل تلاش مداوم بیش از چهار قرن و چه بسا بیشتر است و بعد از طی دوران مختلف به اینجا رسیده است. اما در جامعه ما چیزی بینابین حرکت شرق و غرب طبقه‌ی متوسط هستیم. نقش طبقه متوسط نصف و نیمه در جامعه ایران در برابر بحران کرونا این طور بوده است. یعنی آنان که به اصطلاح وضع اقتصادی بهتری داشتند با شروع بحران و اعلام دولت و حکومت به در خانه ماندن، حرکت خود را به سمت مناطق توریستی آغاز کرده و به اماکن سیاحتی و ویلاهای خود نقل مکان نموده و با بی‌توجهی به دستورالعمل‌ها و نکات بهداشتی مشکلات عدیده‌ای را برای بقیه‌ی مردم به وجود آوردند. این‌ها همان پیشران‌های حکومت و طبقه‌ی متوسط جامعه‌ی ما هستند. کرونا در تحولات داخلی کشورها به ویژه روابط دولت، ملت ما دارای پیامدهای غیرقابل انکاری بوده اما در کشورهای در حال توسعه که در حال گذار به دموکراسی هستند که دارای جوامع مدنی در حال رشدی بوده و دولت گسترده در مقابل جامعه مدنی رو به رشد گاه از طریق بسیج توده‌ای طرفداران و گاه از طریق قوه قهریه در برابر این گذار مقاومت کرده است. لذا این نظام‌ها دارای بحران‌های مختلف انباشت شده تاریخی و ساختاری و یا حتی اجتماعی حاصل از روند ناقص دولت، ملت‌سازی همچون آتشی زیر خاکستر هستند و معمولاً با ایجاد کوچک‌ترین ایجاد فضای بازی نشانه‌های این بحران هویدا می‌شود. اما در کشورهای کمتر توسعه‌نیافته که از طریق نظام سنتی اداره می‌شود



و جامعه مدنی رشد چندانی ندارد و این بحران در این کشورها باعث شده که سیاست‌های محدودسازی با شدت بیشتری پیاده شود. جامعه چند هویتی ایران به جای رسیدن به دیدگاه اشتراکی جهت رسیدن به توسعه و ثبات، اما گروه‌های مختلف نزاع‌های بیهوده در مقابل یکدیگر به راه انداخته‌اند.

۹- جدل تعهد و تخصص در فساد اداری و قضایی (نارضایتی طبقه متوسط)^{۵۸}

یکی از عوامل مؤثر در به وجود آمدن مدیریت مطلوب، تحقق نظام شایسته‌سالاری است. انتخاب مدیران لایق، کاردان، مدبر، متعهد، آشنا به علوم و دانش‌ها و قوانین مربوطه، آگاه نسبت به نیازهای عینی نظام مدیریتی کشور و... گامی مهم در وصول به شایسته‌سالاری است. بدون شک تبیین ملاک‌ها و معیارها در گزینش مدیری شایسته، انتخاب صحیح و حفظ شایستگان سه محور اصلی در تحقق نظام مدیریت شایسته‌سالار است. امروزه یکی از ریشه‌های اصلی فساد و جرائم در تمامی ابعاد آن استراتژی‌هایی تعریف شده‌ای است که در ابتدا یا صحیح ریل‌گذاری نشده است یا پیش‌بینی‌های لازم برای آسیب‌شناسی احتمالی آن نشده است. به عنوان شاهد مثال تعهد گرایی‌هایی که هیچ‌گونه ضابطه دقیق مبتنی بر شایسته‌سالاری پشت آن نبوده است اگر عملاً از باب آسیب‌شناسی در حوزه جرم‌شناسی اسلامی به قضیه ورود کنیم حاصل تحقیقات این پژوهش به شرح ذیل است:

- مغفول ماندن تخصص حرفه‌ای زیر سایه تعهد مصلحت‌گرایانه از لعاب دینی؛

- خانه‌نشینی و منزوی کردن متخصصین واقعی به اسم عدم تعهد ظاهری؛

- شکل‌گیری تعهد گرایی مبتنی بر ظاهرسازی، مقدس‌مآبی، چاپلوسی؛

- شکل‌گیری تخصص‌های صوری و کاغذی بر پایه تعهد ظاهری بدون پشتوانه علمی واقعی؛

- رواج مدرک‌گرایی و تقلب‌های علمی جهت احراز این مناصب بر پایه...؛

- مدیریت اتوبوسی با تعهد ظاهری به اسم مردم به کام خود و...؛

نتیجه فساد فراگیر و جرائم در نتیجه استراتژی‌های آسیب‌شناسی نشده. در نتیجه شاهد گسترش روز به روز فساد در جامعه هستیم که بعد از دوران مدیریت و یا حین مدیریت جرائمی کشف می‌شود و بروز ظهور پیدا می‌کند که باعث بدبینی مردم به اصل دین می‌شود. این در حالی است که در دین مسئولیت به‌عنوان یک امانت است، امیرالمومنین (ع) در نهج‌البلاغه خطاب به اشعث بن قیس حاکم آذربایجان می‌نویسد: «حکومتی

^{۵۸}. در خصوص این رویکرد یعنی تعهد یا تخصص کدام باید اولویت امر (از منظر آموزه‌های دینی همانند جرم‌شناسی اسلامی) قرار گیرد جهت مطالعه بیشتر در خصوص ریشه‌یابی نگاه کنید به: موسوی فرد، سیدمحمد رضا (۱۴۰۰)؛ نگاهی نقادانه به ضرورت وجوبی تعهد یا تخصص از منظر جرم‌شناسی اسلامی و جامعه‌شناسی جنایی.



که در دست‌توست شکار و طعمه نیست که به چنگت افتاده باشد، بلکه امانتی است بر گردن تو و باید به فرمان آن کس که فرادست توست، حق آن امانت را در پایان بحث باید بگوییم با پاس داری و نگاهبان آن باشی. «تو را نرسد که به استبداد و دلخواه خود در میان مردم رفتار کنی» توجه به این ودیعه الهی در گزینش افراد در مناصب، گزینش این افراد بر اساس ظاهر مبتنی بر مؤلفه‌های مفسده‌انگیز که صحبت شد صورت می‌پذیرد، نه تنها مورد پذیرش دین نیست بلکه در تضاد با مبانی دینی است و نتایج عکس در جامعه خواهد داشت (موسوی فرد، ۱۴۰۰: ۱۴). پس چنین رویکردهایی باعث می‌شود در دهه چهارم انقلاب اسلامی و در گام دوم که باید به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برسیم متأسفانه همچنان به دنبال مبارزه با فساد اداری و امثالهم هستیم به گزارشات رسمی فساد در ایران دقت فرمایید،^{۵۹} همین امر باعث می‌شود نه تنها طبقه متوسط جامعه از بدنه دولت ملت دور شود بلکه شکاف با دیگر طبقات جامعه نیز به حد اعلای خود برسد در نمودار زیر روند نمره و رتبه ایران در شاخص اداری فساد از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۹ را ملاحظه می‌کنید!^{۶۰}



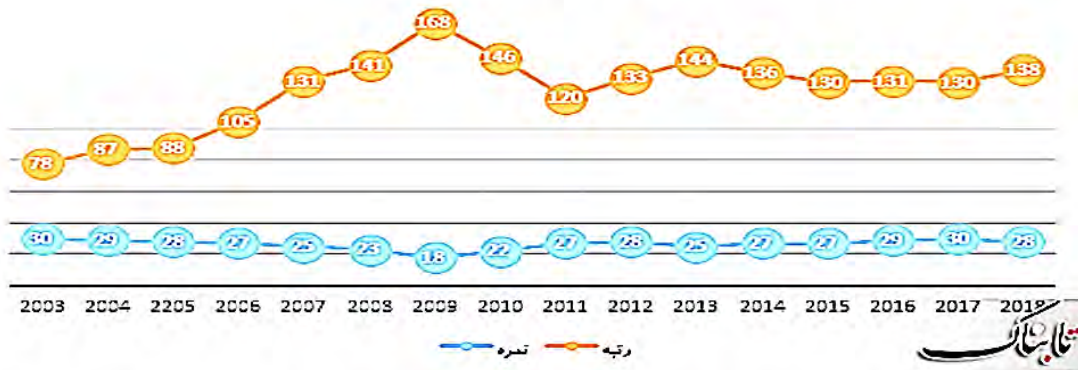
^{۵۹}. گزارش تازه سازمان شفافیت بین‌الملل که روز پنجشنبه ۲۳ ژانویه (۳ بهمن) منتشر شده است می‌گوید ایران از لحاظ فساد مالی و گسترش آن در میان ۱۸۰ کشور جهان رتبه ۱۴۶ را کسب کرده است. این بدترین رتبه این کشور طی سال‌های اخیر است. به نقل از شبکه یورو نیویو به نقل از سازمان شفافیت بین‌الملل که مراتب گزارش مذکور به آدرس ذیل قابل دسترس می‌باشد:

^{۶۰}. شاخص اداری فساد، میزان فساد موجود در میان مقامات دولتی و سیاستمداران را نشان می‌دهد. به عبارت بهتر این شاخص نشان می‌دهد که وضعیت فساد در بخش عمومی هر کشور چگونه است؟ گزارش‌های تهیه شده توسط سازمان بین‌المللی شفافیت بر پایه معیارهایی چون بررسی مدیریت دولتی در کشورها، شرایط دسترسی شهروندان به خدمات عمومی، ساختار حقوقی و قضایی حاکم در کشورها و موقعیت بخش خصوصی می‌باشد.

^{۶۱}. به نقل از منابع رسمی داخلی: tabnak.ir/003hOM



نمره و رتبه ایران در "شاخص ادراک فساد"
 طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸





نتیجه‌گیری و راهکارها:

تقویت و گسترش طبقه‌ی متوسط زمینه‌های ثبات سیاسی را به وجود می‌آورد و آن را استحکام می‌بخشد و تضعیف و عقب‌ماندگی طبقه‌ی متوسط، زمینه‌های بحران و بی‌ثباتی سیاسی را ایجاد می‌کند. از سوی دیگر ایجاد و استحکام ثبات سیاسی خود منجر به تقویت طبقه‌ی متوسط می‌شود و بی‌ثباتی سیاسی عامل تضعیف طبقه‌ی متوسط می‌باشد. یکی از سازوکارهای تبدیل نارضایتی به شورش را می‌توان فقدان یا ضعف روابط اجتماعی پایدار بین جامعه و حکومت دانست. انجمن‌های مدنی و تشکل‌های سیاسی و اجتماعی (اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌ها و احزاب سیاسی نهادهایی که در زمینه آموزش و مشارکت مسئولانه اجتماعی، بسط تعهد مدنی) فعالیت می‌کنند. در جامعه امروز مهم‌ترین سازوکار نهادی گفتگو، چانه‌زنی و انتقال پیام و درخواست‌ها و مطالبات حقوقی و اجتماعی و سیاسی به حکومت و همچنین سازوکار نظارت عمومی بر ساختار و رویه حکومت‌ها می‌باشد. تغییرات ساختاری زمانی در کشور شکل می‌گیرد که توازن قوای موجود میان حکومت و جامعه نوعی برابری نسبی وجود داشته باشد. در چنین شرایطی جامعه می‌تواند خواسته‌های خود را بر حکومت تحمیل کرده و تغییرات ساختاری را رقم بزند. کرونا هم‌زمان به تضعیف شدن حکومت و جامعه در جهان انجامیده است. حتی شاید بتوان گفت که سهم یک جامعه ضعیف در ایران به دلیل درهم آمیخته شدن تحریم و کرونا از حکومت هم بیشتر بوده است. کرونا با تلفیق اهمیت حیات و تحمیل انواع فاصله‌گیری‌های فیزیکی به شهروندان، جنبش‌های اجتماعی را به مثابه اهرم فشار مؤثر بر حکومت‌ها تا اطلاع ثانوی از رونق انداخته است. انجام اصلاحات ساختاری از طرف حکومت‌ها نیز که به وجود سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در جامعه بستگی دارد که می‌توان نوعی بسیج اجتماعی را حول این تغییرات ایجاد نمود. مهم‌ترین دلیل مقاومت نظم سیاسی موجود از پذیرش تغییرات ساختاری عبارت است از هراس نسبت به ورود مجموعه‌ای از نیروهای اجتماعی کنترل‌ناپذیر و بی‌ثبات کننده به عرصه سیاسی کشور است. در این میان موج کرونا با ایجاد تغییرات صرفاً سطحی در برخی حوزه‌ها به مأموریت خود در ایران پایان می‌دهد. مهم‌ترین دلایل تحول سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و رفاه عمومی به حرکت درآوردن طبقه‌ی متوسط و پیشران قرار دادن این طبقه در تمامی جوامعی است که یا تحول و دوران‌گذار به دموکراسی و تشکیل جامعه مدنی را پشت سر گذاشته و یا در حال گذار واقعی به آن هستند. در جامعه کنونی ما برای پیشران قرار دادن این طبقه و تشکیل جامعه مدنی قوی و پیشران در حل بحران‌ها و مدیریت آن‌ها بایستی موارد زیر مورد توجه و عنایت صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان این امر قرار گیرد:



- تدوین و اجرای سیاست‌های ادغام اجتماعی و فرهنگی و تحکیم پیوند علایق و منافع میان بخش‌های گوناگون جامعه به‌ویژه اقلیت‌های قومی و مذهبی با مراکز که لازمه این امر افزایش توانایی‌های تلفیقی نظام سیاسی است.

- بسیج منابع موجود داخلی و بهره‌برداری از منابع خارجی برای مهار بحران‌های اقتصادی و ایجاد زمینه لازم برای ایجاد تشکل‌های صنفی و فرهنگی مستقل که بیانگر و پیگیر خواسته‌های اصناف و طبقات اجتماعی باشد؛

- برآورده کردن نیازهای طبقه متوسط به صنعت، فن‌آوری اطلاعات، دانش روزبه هر طریق ممکن و فعال و پویا نمودن طبقه متوسط از طریق برنامه‌های توسعه، واردات سرمایه، بکار گرفتن این سرمایه‌ها در فعالیت‌ها؛

- شفافیت در تصمیم‌گیری‌های دولتی و حکومتی و قانونمند کردن مؤسسات دولتی و خصوصی مرتبط با دولت و بازتولید رابطه مبتنی بر اعتماد میان گروه‌های مرجع و نسل جوان و بازتولید گفتمان اسلامی، انقلابی جهت پاسخگویی به نیازهای مشروع نسل جوان و هماهنگ نمودن آن گفتمان با شرایط زمانه موجود؛
- تقویت امید به حال و آینده در جوانان از طریق احترام به شأن و منزلت و استعداد نیروهای جوان و واگذاری بخشی از مسئولیت‌ها به نخبگان قومی مذهبی و اعطای برخی امتیازهای مشروع و سیاسی به قومیت‌ها و پرهیز از مواضع آمرانه و استبدادی در زمینه‌ها و عرصه‌های مختلف است؛
- مبارزه علمی و غیرشعاری با فساد که در سیستم نفوذ کرده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فهرست منابع:

الف) منابع فارسی:

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۸)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه: احمد گل محمدی و دیگران، انتشارات نشر نی.
- ادیبی، حسین (۱۳۵۸)، *طبقه متوسط جدید در ایران*، انتشارات جامعه.
- اشرف، احمد و دیگران (۱۳۸۸)، *طبقات اجتماعی*، ... ایران، ترجمه: سهیلا ترابی فارسانی، انتشارات نیلوفر.
- اقبابخشی، علی (۱۳۷۹)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، نشر چاپار، چاپ اول.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷)، *شکاف‌های قومی ... پیکارهای سیاسی*، مطالعات راهبردی، پیش‌شماره اول، بهار.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، *تاریخ اندیشه سیاسی در قرن بیستم*، نشر نی، تهران.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، نقش نیروهای اجتماعی ... سیاسی، تهران: نشر نی.
- بیات، آصف (۱۳۷۶)، *سیاست‌های خیابانی ... ایران*، ترجمه: اسدالله نبوی چشمی، تهران، اکسیر، چاپ اول.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، *مدیریت بحران*، فرهنگ گفتمان، تهران.
- خواجه، حسین (۱۳۹۶)، *میراث هاشمی رفسنجانی در حوزه سیاسی اجتماعی (گسترش طبقه متوسط جدید)*، فصلنامه مطالعات سیاسی بین‌المللی، سال دوم، شماره چهارم، پاییز.
- دوورژه، موریس (۱۳۷۷)، *بایسته‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه: ابوالفضل قاضی، تهران، نشر دادگستر.
- رحمانی، کامران و دیگران (۱۳۹۵)، *اجماع نظر نخبگان سیاسی و توسعه سیاسی (۷۶-۸۴)*، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال هفتم، شماره بیست و نهم، زمستان.
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۹)، *فرهنگ سیاسی ایران*، تهران: فرزانه.
- عابدی اردکانی، محمد (۱۳۹۳)، *توسعه‌نیافتگی سیاسی از منظر فرهنگ سیاسی نخبگان در ایران*، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره چهارم، پاییز.
- فنوش، غلامرضا و دیگران (۱۳۹۹)، *شناخت کرونا ویروس نوین ۲۰۱۹ و کووید ۱۹ بر اساس شواهد موجود مطالعه مروری*، مجله طب نظامی، دوره ۲۲، شماره ۱، فروردین ۹۹.



- قاسمی، وحید و دیگران(۱۳۸۹)، شناخت تأثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نسبت به جریان نوگرایی در شهر اصفهان، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره پیاپی ۳۷ شماره اول، بهار.
- قائدی، محمدرضا(۱۳۸۲)، مؤلفه‌های نظری بحران، فصلنامه راهبرد، نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک.
- کمیجانی، اکبر و دیگران(۱۳۹۲)، اقتصاد سیاسی و رشد اقتصادی، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و یکم، شماره ۶۵، بهار.
- گرپ، ادوارد ج(۱۳۷۷)، نابرابری اجتماعی، ترجمه محمد سیاه‌پوش، تهران: انتشارات معاصر.
- گودرزی، مهناز و شاه قلعه، صفی الله و ابراهیمی طالب(۱۳۹۳)، توسعه سیاسی و موانع آن در ایران پیش از انقلاب اسلامی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال دهم، شماره بیست و ششم، بهار.
- مسعود، زهرا و دیگران(۱۳۹۴)، نقش طبقه متوسط جدید بر فرایند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، سال دوم، شماره ۷، پاییز.
- موسوی فرد، سیدمحمدرضا(۱۴۰۰)، نگاهی نقادانه به ضرورت وجوبی تعهد یا تخصص از منظر جرم‌شناسی اسلامی و جامعه‌شناسی جنایی؛ مجله نخبگان علوم و...، جلد ششم، شماره اول، بهار.
- نعمانی، فرهاد و بهداد، سهراب(۱۳۸۷)، طبقه و کار در ایران، ترجمه: محمود متحد، نشر آگاه.
- وزیریان، امیرحسین و دیگران(۱۳۹۶)، بررسی مدل توسعه در دوران ریاست جمهوری هاشمی، فصلنامه سیاست، سال چهارم، شماره چهاردهم، تابستان.
- هانتینگتون، ساموئل(۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع حال دگرگونی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

(ب) منابع لاتین:

-George C. AsaduI, Benjamin C. DiaraII, Nicholas Asogwa" (2020) Religious pluralism and its implications for church development"published:Journal HTS Theological Studies, On-line version ISSN 2072-8050Print version ISSN 0259-9422 http://www.scielo.org.za/scielo.php?script=sci_arttext&pid=S0259-94222020000300007#corresp

- Rita Chin (2017)" The Crisis of Multiculturalism in Europe: A history of modern European cultural pluralism, its current crisis, and its uncertain future":



<https://press.princeton.edu/books/hardcover/9780691164267/the-crisis-of-multiculturalism-in-europe>.

- Ari Aisen and Francisco Jose Veiga (January 2011) "How Does Political Instability Affect Economic Growth?" IMF Working Paper Middle East and Central Asia Department: <https://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/2011/wp1112.pdf>

-<https://per.euronews.com/2020/01/23/transparency-international-2019-corruption-index-iran-146th>

-the United Nations Development and Inequality Report(21)October 2015(Development Issues No. 1 Development Strategy and Policy Analysis Unit Department of Economic and Social Affairs See access to the report: https://www.un.org/en/development/desa/policy/wess/wess_dev_issues/dsp_policy_01.pdf.

-According to the United Nations Development and Inequality Report(۲۱)October ۲۰۱۵):Development Issues No. 1 Development Strategy and Policy Analysis Unit Department of Economic and Social Affairs See access to the report United Nations: https://www.un.org/en/development/desa/policy/wess/wess_dev_issues/dsp_policy_01.pdf.

